

آسیب‌شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث فرهنگی

رضا ابویی* زهره یادگاری** شهاب افاضت***

چکیده

پس از گذشت چند سده از عمر دانش مرمت، در دهه‌های اخیر توجه به بعد پنهان و ناملموس میراث فرهنگی جایگاه خاصی در این حوزه یافته؛ تا جایی که ادعا می‌شود میراث ملموس بدون مراجعه به میراث ناملموس نمی‌تواند وجود داشته باشد. در نتیجه حیات این دو وجه میراث به هم وابسته است. «سنتها و ابزار شفاهی شامل زبان» اولین نمود میراث ناملموس دانسته شده و با به رسمیت شناختن آن در حوزه میراث ناملموس، بعضی زبانها و قالب‌های زبانی مانند مهارت قصه‌گویی، نقالی، هنرهای نمایشی و آوازا در لیست آثار جهانی ناملموس ثبت گردیده است. لذا می‌توان گفت آسیب میراث زبانی بر پیکره کلی یک فرهنگ آسیب می‌رساند و به طریق اولی حیات یک فرهنگ به حیات میراث زبانی آن وابسته است. امروزه انواعی از میراث زبانی در معرض خطر مانند لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌ها مورد توجه قرار گرفته؛ لیکن آنچه غالباً جای خالی آن احساس می‌شود، انجام آسیب‌شناسی جامعی از تهدیدهای میراث زبانی است. لازمه آسیب‌شناسی علمی میراث زبانی، «احصاء نموده‌های آن»، «تحلیل عملکرد» و «استخراج مؤلفه‌های تأثیر گذار» بر آن در حوزه میراث فرهنگی است.

در این مقاله نموده‌های مختلف میراث زبانی دسته‌بندی می‌شوند و دو عملکرد عمده میراث زبانی با عنوان «انتقال فرهنگ» و «برقراری ارتباطات انسانی در زمان و مکان» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه با «شناسایی مؤلفه‌های تأثیر گذار در میراث زبانی»، آسیب‌های آن با روش تحلیلی-توصیفی استخراج می‌گردد. این بررسی نشان می‌دهد برای تداوم و حفظ حیات میراث زبانی بایستی منظومه کاملی از روش‌ها، روابط، سنتها و جهان بینی صیانت گردد. در انتها پیشنهادهای جهت تداوم حیات میراث زبانی به عنوان یکی از ارکان حیاتی مؤثر در تداوم یک فرهنگ ارائه گشته است.

کلیدواژگان: آسیب‌شناسی، میراث زبانی، انتقال معنا، ارتباطات انسانی.

* استادیار، دانشگاه هنر اصفهان.

** استادیار، دانشگاه کاشان.

*** کارشناس معماری، دانشگاه یزد.

مقدمه

میراث فرهنگی صرفاً به بناها و آثار ملموس و ساخته‌شده محدود نمی‌گردد و ابعاد پنهان و ناملموس بسیاری را دربر می‌گیرد که این دو، درهم تنیده و حفظ هر کدام وابسته به دیگری است (Quebec Declaration, 2008). در دهه‌های اخیر توجه روزافزون به این بخش از میراث فرهنگی در منشورها و بیانیه‌های بین‌المللی دیده می‌شود.^۱ پس از این جریان در سطح بین‌المللی، خطراتی که این میراث را تهدید می‌کرد نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

به تصریح کنوانسیون ۲۰۰۳، پاریس یکی از مهم‌ترین نمودهای میراث ناملموس؛ زبان و ابزارهای شفاهی است که به‌عنوان محملی برای میراث ناملموس دانسته شده است (چراغچی، ۱۳۸۲: ۲۵۰). در پی آن، به زبان‌های در معرض خطر نیز پرداخته شده^۲ و طبق اعلام سازمان یونسکو چنانچه تلاشی در این زمینه انجام نشود نیمی از شش هزار زبان زنده امروز دنیا در پایان قرن ناپدید خواهد شد؛ که در این صورت بخش مهمی از دانش بشری و ثروت‌های فرهنگی بشر از دست خواهد رفت. این سازمان جوامع را، به داشتن برنامه‌های نظارت و ارزیابی مستمر، تلاش برای حفظ و احیای زبان مادری و انتقال آن به نسل‌های جوان توصیه می‌کند.^۳

در مطالعات حوزه فولکلور، مردم‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی نیز غالباً به خطر از دست رفتن میراث زبانی اشاره می‌گردد (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۸۶). در این مطالعات عمده راهکارهای ارائه‌شده از سوی محققان، ثبت نوشتاری فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات شفاهی است (اولاد، ۱۳۹۱؛ Czermak et al., 2003). با وجود اهمیت ثبت و مستندسازی میراث زبانی، این امر به تنهایی برای حفظ سیالیت و پویایی این میراث کافی به نظر نمی‌رسد و آسیب‌شناسی علمی در این حوزه، جنبه‌های دیگری از موضوع را باز خواهد کرد که قطعاً در نظر داشتن آن جهت حفظ و تداوم حیات میراث زبانی، راهگشا خواهد بود. مقاله حاضر با هدف فهم عوامل مؤثر بر حیات و تداوم میراث زبانی و بالطبع، آسیب‌های وارد بر آن نگاشته شده؛ تا بتوان با شناخت آگاهانه‌تری از مؤلفه‌های مؤثر بر این میراث ارزشمند راهکارهایی برای نجات آن اندیشید. باتوجه به گستردگی و تنوع اشکال زبانی در یک فرهنگ، ناملموس بودن آن و ارتباط وسیع با اقشار مختلف جامعه، شناخت و آسیب‌شناسی آن نیازمند توجه به تمام ابعاد مؤثر در میراث زبانی است. بی‌شک این اقدام در سرزمین ایران که دارای میراث زبانی غنی، متنوع و ارزشمندی است؛ می‌تواند در نجات بخش مهمی از میراث ناملموس بشری مؤثر باشد.

مقاله حاضر در دو بخش کلی شناخت و آسیب‌شناسی، مختصاتی از میراث زبانی را ارائه نموده است. در بخش اول، در قالب نمودها و عملکردها به تقسیم‌بندی و شناخت گونه‌های مختلف میراث زبانی و نقش آن در تداوم معانی فرهنگی و ارتباطات جوامع پرداخته است. این شناخت و دسته‌بندی مبنای آسیب‌شناسی نمودهای زبانی به‌عنوان بخشی از میراث ناملموس، کارکرد و جایگاه زبان در بخش دوم تحقیق شده که به تفکیک، هر کدام بررسی و تحلیل آسیب‌شناسانه گردیده است. سؤالات مطرح در این پژوهش بدین قرار است: جایگاه و عملکرد زبان در میراث فرهنگی چیست؟ چه آسیب‌هایی می‌توانند میراث زبانی را تهدید کنند و یا عملکرد آن را در میراث فرهنگی مختل نمایند؟

تعاریف

- میراث فرهنگی ناملموس

به بخشی از میراث فرهنگی گفته می‌شود که شکل مادی و کالبدی ندارد. در کنوانسیون ۲۰۰۳ پاریس، به پنج دسته عمده: سنت‌ها و ابزار شفاهی، هنرهای نمایشی، اقدامات اجتماعی، دانش مربوط به کیهان و طبیعت و مهارت هنرهای سنتی و دستی تقسیم‌بندی شده است.

- نمودهای میراث زبانی

منظور از نمودهای میراث زبانی در این نوشتار کلیه اشکال میراث ناملموس مرتبط با زبان است که به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی شناخته می‌شود. برای نمونه، برخی زبان‌ها،^۴ میراث شفاهی، روش‌های قصه‌گویی، شعرخوانی، نمایش‌نامه، ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌های عامیانه، گویش‌ها و لهجه‌ها و مانند آنها.

- عملکردهای میراث زبانی

در این تحقیق منظور از این عبارت، عملکرد و نقشی است که میراث زبانی در تداوم، حیات و استمرار میراث فرهنگی ایفا می‌کند؛ که در دو بخش عمده انتقال معنا و ارتباطات انسانی قابل تفکیک است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر در دسته تحقیقات کیفی جای می‌گیرد و در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول، با روش توصیفی به دسته‌بندی انواع نمودها و عملکردهای میراث زبانی پرداخته شده و در مرحله دوم از روش آسیب‌شناسی مرسوم در مرمت الگوبرداری و از انطباق آن بر میراث زبانی جهت آسیب‌شناسی

انسانی کوچک‌تری را در دل یک جامعه فرهنگی متمایز می‌کند و در طول تاریخ، در ارتباط با جهان‌بینی‌ها، محیط‌ها و باورهای مختلف تنوع بسیاری می‌یابد.

شناخت و صیانت از این گونه‌ها در حفظ تنوع فرهنگی جوامع اهمیت بسزایی دارد و ازسوی دیگر، تداوم و حضور زنده این قالب‌ها در زبان به میراث جوامع غنا، تنوع و هویت می‌بخشد و بخش مهمی از معانی و لایه‌های پنهان فرهنگی را با خود منتقل می‌سازد.

بازشناسی عملکردهای میراث زبانی

نگاه دیگری که می‌توان به زبان در میراث فرهنگی داشت؛ توجه به نقش و عملکردی است که به‌صورت زنده و پویا در تداوم حیات فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. این عملکرد در دو شکل عمده نمود می‌یابد:

۱. برقراری ارتباطات انسانی در گستره زمان و مکان

در پهنه جغرافیایی یا در بستر مکانی، زبان می‌تواند ارتباطات درون و برون - فرهنگی جوامع را تحت تأثیر قرار دهد. نتیجه این عملکرد زبان، تقویت ارتباطات فرهنگی، قومی و ملیتی میان جوامع است. این تأثیر در ارتباطات گروه‌های کوچک‌تر اجتماعی مانند افراد یک شهر، روستا، محله و صنف نیز مطرح می‌گردد.

در گستره زمانی، نقش زبان در حفظ میراث فرهنگی به‌مراتب حساس‌تر است. زیرا تداوم و استمرار زبان در طول زمان یکی از عوامل مهم پیونددهنده جوامع با ریشه‌های تاریخی خود است. به‌عنوان مثال، در شعر فارسی به‌مثابه یکی از نمودهای میراث زبانی، اشعار شاعری مانند سعدی قرن هاست که زبان معیار فارسی‌زبانان را به‌خصوص در ایران شکل داده است.^۵ از همین روی، فهم این گونه اشعار پس از گذشت بیش از هشت قرن، امروزه امری ساده و روان است. از ویژگی‌های مهم عملکرد برقراری ارتباط در میراث زبانی، وابستگی آن به حضور زنده و پویای انسان است. حضور انسان در برقراری ارتباطات زبانی چه در پهنه جغرافیا و چه در گستره تاریخی، در حفظ، سیالیت و بازآفرینی میراث ناملموس، نقش مهمی ایفا می‌کند.

۲. انتقال فرهنگ و معانی مستتر در آن

زبان به‌عنوان محمل معنا، بخش مهمی از میراث زنده را با خود منتقل می‌سازد.^۶ به تعبیر رینر، «زبان حامل حکمت نسل هاست.» (Reyhner, 2007:4) اشکال مختلف روش‌های انتقال معنا در زبان همچون انواع روش‌های شفاهی و کتبی، در

این حوزه استفاده شده است. در تحلیل و استخراج اطلاعات این بخش از روش تحلیل منطقی استفاده شده است. لذا در مجموع، روش مقاله را می‌توان تحلیلی - توصیفی دانست.

دسته‌بندی نمودهای میراث زبانی

زبان در این مقاله به‌عنوان یکی از نمودهای میراث ناملموس مطرح می‌گردد که با ویژگی‌هایی چون انتقال نسل به نسل، بازآفرینی مستمر، تداوم و استمرار هویت فرهنگی جوامع شناخته شده است (چراغچی، ۱۳۸۳: ۲۵۰). با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، زبان‌های زنده دنیا که در فرهنگ جوامع بشری یا گروه‌های انسانی کاربرد دارند؛ مهم‌ترین بخش این نمودها محسوب می‌شوند. بنابراین، مطالعه زبان‌های باستانی و تاریخی در دسته‌بندی ارائه‌شده در این مقاله، مورد نظر نیست.

زبان‌های زنده دنیا غالباً ممیزه یک ویژگی قومی، جغرافیایی و به تعبیر بهشتی، نشان‌دهنده «کیفیتی از دانایی و کیفیت از بودن در این عالم و فهم این عالم است» (بهشتی، ۱۳۹۴). به تعبیر رینر، «کلمات ما و روش‌های بیان ما، سبک‌های مختلفی از بودن، فکر کردن، دیدن و عمل کردن هستند.» (Reyhner, 2007:4) زبان در کنار عوامل هویت‌بخش دیگری چون سرزمین، دین، نژاد و تاریخ، قرار داشته و نقش هویت‌بخشی را در درون جوامع و بین کاربران آن ایفا می‌کند. ایفای این نقش، گاه فراتر از مرزهای سیاسی و جغرافیایی گسترش می‌یابد؛ مانند کشورهای عرب زبان یا کشورهای آمریکای لاتین که به‌واسطه زبان مشترک، پیوندهای درون فرهنگی مشترکی باهم دارند.

زبان‌ها علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین نمودهای میراث بشری هستند، در دل خود نیز بخش‌هایی از میراث ناملموس جوامع را جای داده‌اند. برخی قالب‌های زبانی مانند شعر، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، حکایت‌ها، بومی سرودها، نمایش‌ها، اصطلاحات، ترانه‌های محلی، برخی اسامی و لالایی‌های مادران خود به‌عنوان میراث زبانی شناخته می‌شوند. این قالب‌ها به‌واسطه شکلی که در گذر زمان در ارتباط با اقلیم، معانی فرهنگی، نوع فهم عالم، ارتباطات درون و برون فرهنگی و ارتباط با سایر مظاهر میراث به دست آورده‌اند؛ تکرارناشدنی و مهم هستند.

تنوع گروه‌های کاربر یک زبان نیز، انواع مختلفی از میراث زبانی را شکل می‌دهد. گویش‌ها، لهجه‌های مناطق و شهرها و حتی محله‌های مختلف، زبان خاص اقلیت‌های دینی، زبان خاص اصناف و گروه‌های اجتماعی، زبان‌های عامیانه و فولکلور از جمله این اشکال است. این انواع میراث زبانی، گروه‌های

جوامع معلول کیفیت و شرایط این انتقال است. این روش‌ها خود واجد اهمیت و اصالت بوده و درخور حفاظت‌اند. برای نمونه، در روش‌های شفاهی انتقال معنا، مخاطب واجد اهلیت و آمادگی به صورت آگاهانه‌گزینش می‌شده و از این طریق معنا از گزند ناهلان صیانت می‌شده است.^۷ این روش‌ها قرن‌ها در جوامع نقش صیانت از معنا را برعهده داشته است؛ لذا حفظ و صیانت از میراث زبانی در گرو عملکرد و استفاده تمامی اشکال آن به تناسب شرایط انتقال و محتوای منتقل‌شونده خواهد بود. نمودها و عملکردهای مختلف زبان در میراث فرهنگی در نمودار تصویر ۱، به صورت خلاصه نمایش داده شده است.

آسیب‌شناسی زبان در حوزه میراث فرهنگی

برای شناخت آسیب‌های وارد بر هر مکانیزم کالبدی یا غیرکالبدی، بایستی حالت سلامت یا تعادل آن به‌درستی شناخته شود. آسیب، حاصل برهم‌خوردن تعادل یا اختلال در این مکانیزم است که شکل عارضه‌هایی در یک میراث مادی یا معنوی نمودار می‌شود.^۸ میراث زبانی نیز از این امر مستثنی نیست و لذا در آسیب‌شناسی آن بایستی مؤلفه‌های مؤثر بر کارکرد درست زبان در میراث فرهنگی شناخته شوند تا بتوان آسیب‌های وارد بر آنها را ریشه‌یابی کرد.

در این بخش مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نمودها و عملکردهای مختلف میراث زبانی؛ در قالب کلیدواژه‌هایی بیان می‌شود. در ادامه، عارضه‌ها و آسیب‌های میراث زبانی بر این اساس تبیین می‌گردد.

- آسیب‌های وارد بر نمودهای میراث زبانی

الف. مرگ زبان‌های زنده

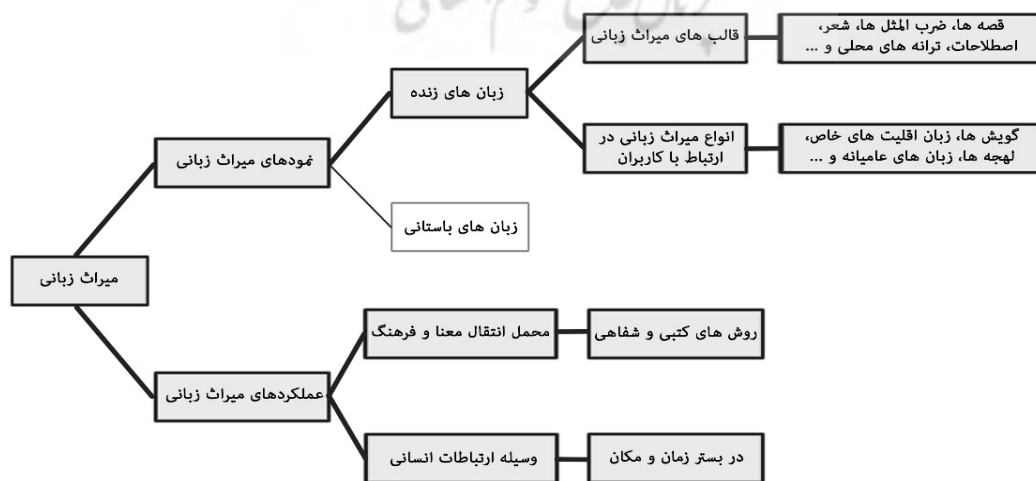
میراث زبانی؛ زبان‌های زنده بشری

زبان به‌شکل وثیقی، متأثر از فرهنگ و یا کیفیت فهم عالم است. هایدگر، زبان را خانه وجود می‌داند، شایگان آن‌را به‌خاطر مشترکی که هنر و تفکر جوامع در آن سیراب می‌شود؛ تعبیر می‌کند (شایگان، ۱۳۸۳: ۹۶). عوامل بسیاری چون دین، باورها، ارتباط با طبیعت، ارتباطات درون و برون فرهنگی، صبغه تاریخی و ساختارهای اجتماعی در یک پارادایم فرهنگی، بر زبان و اشکال آن اثرگذار می‌شود. چیزی که بهشتی آن را کیفیتی از دانایی و بودن در این عالم، توصیف کرده است. به‌شکل خلاصه، موارد بیان‌شده را می‌توان چنین تحلیل کرد:

مؤلفه‌های مؤثر؛ فرهنگ، دین، باورها، کیفیت تعاملات بشری، صبغه تاریخی، گروه‌ها و ساختار اجتماعی.

عارضه؛ مرگ زبان

آسیب؛ زمانی می‌توان از مرگ کامل یک زبان سخن گفت که به‌صورت دفعی در اثر ازبین‌رفتن یک فرهنگ، ازهم‌پاشیدن یک جامعه، استعمار یا تغییر اجباری زبان یا خط، رخ دهد.^۹ ولی آنچه غالباً اتفاق می‌افتد، مرگ تدریجی زبان‌ها در اثر استحاله فرهنگی یا سست‌شدن هر کدام از مؤلفه‌های مؤثر بر آن است. به بیان دیگر «مرگ هر زبان را می‌توان تا حد زیادی به معنی مرگ فرهنگ مولد آن زبان تلقی کرد و این حاکی از منقرض‌شدن کیفیتی از دانایی و کیفیتی از بودن در این عالم و فهم این عالم است.» (بهشتی، ۱۳۹۴). شایگان این موضوع را با تعبیر شیوه تفکر بیان می‌کند: «این تفکر است که زبان را می‌سازد و عدم تفکر است که آن را از رمق می‌اندازد.» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۱۰) محمودی بختیاری، عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بسیاری را برای انقراض زبان‌ها نام می‌برد.^{۱۰} وی عواملی چون دوزبانگی غالب،



تصویر ۱. نمودار ساختار و دسته‌بندی ارائه‌شده در بازشناسی میراث زبانی (نگارندگان، ۱۳۹۴)

آسیب؛ واژگان برای تداوم حیات خود به بستر فکری و حتی عملکردی خاصی نیاز دارند. به کارنبردن اصطلاحات و لغات یک زبان، نشان‌دهنده کمرنگ‌شدن زمینه‌های تفکر پشتیبان و بستر به کارگیری آن است. مثلاً با جایگزین شدن نظام اندیشه توحیدی و باور به معاد با نظام تفکر اقتصادی و ماتریالیستی، اصطلاح حرام کردن مصالح جایگزین خراب کردن می‌گردد.^{۱۲} زمانی که ارتباطات معنایی پنهان از بین می‌رود، اصطلاحاتی از این دست نیز فراموش می‌گردد. در برخورد با فرهنگ‌های دیگر نیز آسیب‌دیدن نظام اندیشه و جهان‌بینی جوامع، راه را برای ورود واژگان بیگانه و حالت انفعالی زبان هموار می‌سازد.

فراموشی و بی‌توجهی به نقش مهمی که نام‌ها در انتقال میراث معنوی و حتی دانش مربوط به میراث فرهنگی و تاریخ جوامع دارند، باعث تغییر این اسامی می‌گردد که در نتیجه، صبغه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، کاربردی و اعتقادی مرتبط با یک اثر فرهنگی را محو می‌سازد.^{۱۳}

میراث زبانی؛ قصه، حکایت و ضرب‌المثل

مهارت‌های قصه‌گویی در بسیاری کشورها در میراث ناملموس جهانی ثبت شده؛ که به‌عنوان اجزای ناپیدای یک فرهنگ، آن را غنا بخشیده است. بستر مناسب ارتباطات انسانی، همچنین ارتباطات بین نسلی لازمه تداوم این میراث زبانی است. قصه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محمل‌های معنا در یک فرهنگ است و در سطوح مختلف از داستان‌های کودکان تا قصه‌های عرفانی و رمزگونه سطح وسیعی از معانی را در شکل لطیفی از بیان منتقل می‌کند. قابلیت قصه در حمل معنا تا جایی است که حتی بسیاری کتب آسمانی از آن برای انتقال معانی متعالی بهره گرفته‌اند. در ادب فارسی، "مثنوی معنوی" یکی از شاهکارهای انتقال مضامین عرفانی در شکل قصه است (توکلی، ۱۳۸۳).

ضرب‌المثل را می‌توان شکلی موجز و کوتاه از حکایت، تمثیل، داستان یا یک مضمون فرهنگی دانست. این قالب زبانی علاوه بر اینکه کلام را موجز و خلاصه می‌کند؛ به همراه خود عصاره‌ای از یک مَثَل یا داستان شناخته‌شده را منتقل می‌سازد. از آنجا که غالباً ضرب‌المثل‌ها، گویای داستانی هستند که در اذهان کاربران آنها آشناست؛ می‌توان آن را حامل بخشی از خاطرات مشترک کاربران دانست. در نتیجه، این قالب زبانی علاوه بر انتقال مضامین فرهنگی و پربار کردن میراث زبانی، در تقویت خاطرات جمعی و مشترک انسانی نیز مؤثر است. مؤلفه‌های مؤثر؛ معنا، خاطرات مشترک جمعی، بستر مناسب ارتباطات انسانی، ارتباطات بین نسلی.

مهاجرت، اشغال نظامی، صنعتی‌شدن، مدرنیسم و استعمار را مهم‌ترین عوامل مرگ زبان می‌داند (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۸۶ و ۹۱)

ب. آسیب قالب‌های زبان

در تقسیم‌بندی میراث زبانی، قالب‌های زبان به‌عنوان بخش‌هایی از میراث ناملموس شرح داده شد که برخی از این قالب‌ها آسیب‌شناسی می‌گردد.

میراث زبانی؛ واژگان، اصطلاحات و نام‌ها

شایگان به واژگان ترجمه‌ناپذیر در زبان اشاره می‌کند که غالباً لغات مادر (گوته این تعبیر را به کار می‌برد) یک زبان را شکل می‌دهند. لغات مادر شیوه‌ای از تفکر و احساس‌اند که در چارچوب خانواده بزرگ انسانی، به هر قومی تشخیص متافیزیکی‌اش را می‌دهد (شایگان، ۱۳۸۳: ۹۱). وی بر این باور است که «بین کلمات ترجمه‌ناپذیر یک زبان و روح قومی که به آن زبان سخن می‌گوید ارتباطی مرموز وجود دارد.» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۰۹) لذا می‌توان گفت، واژگان عصاره‌ای از شیوه تفکر و روح یک زبان هستند.

از سوی دیگر، واژگان و اصطلاحات در فرهنگ‌های سنتی دارای وجوه متفاوتی هستند که ابعاد مختلف یک فرهنگ را به هم پیوند می‌دهند. اولیاء، در رساله دکتری خود، "اصطلاح‌شناسی معماری سنتی"، اصطلاحات هر حوزه فرهنگی را مانند بلورهای چندوجهی می‌داند که در پیوند با یکدیگر، برداشت و فهم خاصی از عالم را به همراه می‌آورند. وی این اصطلاحات را ثروت‌های علمی، فنی و فرهنگی کشور می‌شمرد که بایستی صیانت شود؛ و صیانت از این دارایی‌های فرهنگی را در گرو تدام تولید می‌داند (اولیاء، ۱۳۸۲: ۴).

یوکیلهتو،^{۱۱} از سنت فرهنگی حضرت موسی (ع) سخن می‌گوید که به‌واسطه آن خاطر و میراث معنوی یهود بایستی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. از جمله روش‌های این انتقال میراث معنوی، گذاردن نام‌های مهم بر افراد، نامگذاری اماکن با نام‌های تاریخی است (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۱۰). این تأکید که در کتاب مقدس تورات ریشه دارد، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه نام‌ها و اسامی در یک فرهنگ و در تداوم خاطرات و حفظ میراث معنوی است.

مؤلفه‌های مؤثر؛ خاطرات مشترک و معانی پشتیبان یک زبان، شیوه تفکر و احساس جوامع، ارتباط میان ابعاد مختلف یک فرهنگ.

عارضه؛ فراموش شدن و استفاده‌نکردن مداوم از واژگان و اصطلاحات، جایگزین شدن واژگان بیگانه، تغییر ناآگاهانه و تعمدی نام‌ها.

عارضه؛ کمرنگ‌شدن و حذف قصه‌ها و آیین قصه‌گویی، کاهش کاربرد ضرب‌المثل‌ها.

آسیب؛ زمانی قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها جایگاه خود را در یک زبان از دست می‌دهند که معانی و بافت منسجم فرهنگی پشتیبان آن زبان تضعیف گردد. کمرنگ‌شدن ارتباطات انسانی و جایگزین‌شدن تکنولوژی در ارتباطات بشری علاوه بر اینکه مهارت‌های قصه‌گویی، نقالی، پرده‌خوانی و نمودهای مشابه را در میراث تهدید می‌کند؛ در محوشدن خاطرات مشترک قومی نیز اثرگذار است. این امر به نوبه خود باعث می‌شود ضرب‌المثل‌ها کارآیی و تداوم خود را از دست دهند. آنچه امروزه در حال وقوع است، منتقل‌شدن این قالب‌های میراث زبانی از میان افواه مردم و حیات فولکلوریک به کتب مردم‌شناسی است که نوعی حفاظت موزه‌وار از این میراث زنده بشری است.^{۱۴}

میراث زبانی؛ لهجه‌ها، گویش‌ها، گونه‌های خاص زبانی اصناف و گروه‌های اجتماعی.

چنانچه بیان شد، دسته‌ای از میراث‌های زبانی با گروه‌های خاص اجتماعی تعریف می‌شود و با آن تشخیص می‌یابد.^{۱۵} مثلاً لهجه‌ها و گویش‌ها به افراد منطقه، روستا یا حتی محله کاربران آن وابسته است. در چنین جوامعی، پیوندهای اجتماعی نزدیک لازمه تقویت حضور لهجه‌ها و گویش‌هاست.

در جوامع سنتی، گروه‌های صنفی و شغلی نیز اصطلاحات و به تعبیری، زبان خاص خود را داشته‌اند. نمی‌توان انتظار داشت بدون حضور این گروه‌ها در یک جامعه، زبان آن‌ها تداوم یابد. در گذشته این گروه‌ها دارای تشکیلات اجتماعی مانند پیر و نقیب و سلسله مراتب اجتماعی، فضاهای کالبدی خاص مانند راسته بازارها و متون و آداب به‌خصوص و جرگه‌هایی مانند فتوت بوده‌اند که تشکیلات اجتماعی، صنفی و اعتقادی آنها را تقویت می‌کرده است. لذا زبان این مجموعه‌ها در دل منظومه بزرگ‌تری معنای خود را باز می‌یابد.

مؤلفه‌های مؤثر؛ حضور و پویایی گروه‌های صنفی، دینی و فرهنگی؛ تنوع بافت‌ها و ساختارهای اجتماعی جوامع.

عارضه؛ از بین رفتن تنوع اشکال میراث زبانی، فراموش‌شدن لهجه‌ها، گویش‌ها.

آسیب؛ از هم‌پاشیدن گروه‌های مختلف اجتماعی در جوامع در اثر گسترش ارتباطات و سیطره تکنولوژی، مهاجرت و خالی‌شدن سکونت‌گاه‌های روستایی و بافت‌های تاریخی شهرها از ساکنان اصیل آن، خودباختگی فرهنگی و تشبه به جوامع مدرن، یکسان‌سازی و حذف تنوع‌های اجتماعی از جوامع، منزوی‌شدن بسیاری اصناف در اثر از بین رفتن روش‌های سنتی ساخت، تغییر روش‌های زندگی و تولید در جوامع، تغییر در

جهان‌بینی و از دست‌دادن هویت جوامع سنتی، از جمله عللی است که منجر به منسوخ‌شدن تدریجی لهجه‌ها، گویش‌ها و تنوع میراث زبانی جوامع می‌گردد.

- آسیب‌های وارد بر عملکرد میراث زبانی

علاوه بر آسیب‌هایی که نمودهای بیرونی میراث زبانی را تهدید می‌کند و به دلیل نمود بیرونی امروزه بیشتر مشهود و مورد توجه قرار گرفته است؛ می‌توان از آسیب‌های کمتر مشهودی نیز سخن گفت که عملکرد درست میراث زبانی را در جوامع تهدید می‌کند. در این مورد، حتی با وجود تداوم اشکال بیرونی زبان، میراث زبانی از محتوای خود تهی شده و نقش خود را در حیات کلی یک فرهنگ به‌درستی ایفا نمی‌نماید. این آسیب‌ها بر اساس تقسیم‌بندی ارائه‌شده در بخش پیشین، بدین شکل بررسی شده است.

- آسیب‌های میراث زبانی به‌مثابه یکی از روش‌های ارتباط انسانی

عملکرد میراث زبانی؛ برقراری ارتباط انسانی

زمانی می‌توان گفت یک میراث زبانی در برقراری ارتباطات انسانی در جوامع نقش فعال دارد که در این ارتباطات، نمودهای میراث زبانی مانند قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، شعر و اصطلاحات و گویش‌ها توسط مردم به شکل طبیعی به کار گرفته شوند.^{۱۶} در هر ارتباط توجه به دو سوی ارتباط و بستر شکل‌گیری آن اهمیت دارد. نمودهای یک میراث زبانی آنگاه می‌تواند در این ارتباط نقشی فعال داشته باشد که دو سوی ارتباط، فضای ذهنی، خاطرات و فهم مشترکی از عالم داشته باشند. به‌صورت متقابل لازمه پیدایش این اشتراک، پیوندهایی است که در گروه‌های اجتماعی، صنفی، جغرافیایی و باوری در یک جامعه و در طول تاریخ با نسل‌های پیش از آن و موارث فرهنگی آنان برقرار می‌گردد.

مؤلفه‌های مؤثر؛ حضور طبیعی نمودهای میراث زبانی در ارتباطات انسانی، پیوندها و اشتراکات ذهنی کاربران میراث زبانی در پهنه تاریخ و جغرافیا.

عارضه؛ خالی‌شدن ارتباطات زبانی از نمودهای میراثی آن.

آسیب؛ از بین رفتن بسترها و زمینه‌های به‌کارگیری میراث زبانی مانند از هم‌پاشیده‌شدن گروه‌های سنتی اجتماعی، تغییر در روش‌های زندگی، فراموش‌شدن و حذف باورها و آیین‌ها، تغییر شیوه‌های آموزش، غلبه تکنولوژی،^{۱۷} تغییر در نظام‌های شغلی و تولید که زمینه‌ساز انقطاع نسل‌ها شده است. عدم توانایی میراث زبانی در برقراری ارتباطات در بستر

عارضه؛ تبدیل شدن میراث زبانی به نشانه‌های صوری خالی از معنا و در نتیجه حذف تدریجی آن.

آسیب؛ غلبه نگاه اومانستی بر عالم، معنزدایی از عالم جدید و ازهم‌پاشیدن نظامات سنتی جوامع،^{۲۰} سبب گردیده است واژگان، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها و قالب‌های زبانی، میراث معنای حقیقی خود را نیافته و نتوانند به‌درستی در انتقال معنا ایفای نقش کنند.

عامل مخل دیگر در انتقال درست معنا در میراث، نبود تناسب میان روش و محتواست. در کارکرد سنتی میراث زبانی در انتقال معنا، طیف متنوع روش‌ها و به‌کارگیری هوشمندانه آنها نشان‌دهنده فهم این تناسب است.^{۲۱} بیگانه‌شدن انسان امروز با معانی متعالی میراث و کم‌شدن انسان‌های واجد اهلیت، در فراموش شدن بسیاری روش‌های سنتی و پیرو آنها آسیب‌دیدن معانی در میراث مؤثر هستند.

سیطره تکنولوژی و این پندار که همه چیز را می‌توان با آن حل کرد؛ جایگاه انسان را در انتقال معنا کمرنگ ساخته است. ارتباط تنگاتنگ انسان با معنا و روش‌های انسانی انتقال، به حیات حقیقی معنا در یک قوم کمک شایانی می‌کند که با روش‌های تکنولوژیک قابل جایگزینی نیست. معنا امری نوشونده است و به تعبیر برخی زبان‌شناسان، با هربار قرائت متن چیزی به معنای آن افزوده می‌گردد که این ارزش افزوده معنایی را کسی جز انسان نمی‌تواند حفظ و منتقل کند.

زمان باعث می‌گردد تا میراث زبانی پیوستگی تاریخی خود را از دست دهد و از نمودهای خود تهی گردد.

- آسیب‌های میراث زبانی به مثابه یکی از روش‌های انتقال معنا

عملکرد میراث زبانی؛ انتقال معنا و فرهنگ

انتقال معنا توسط میراث زبانی، در تداوم معانی فرهنگ و بالطبع حیات مادی و معنوی میراث تأثیر بسزایی دارد. چنانچه میراث زبانی قادر به انجام این مهم نباشد به یک ابزار ارتباطی خالی از معنا بدل خواهد شد.^{۱۸}

پرداختن علم تأویل یا هرمنوتیک به ریشه‌های معنایی واژگان، گویای حضور سلسله‌مراتب معانی در یک فرهنگ یا باور است که در واژگان نمود می‌یابد. امروزه چنانچه یک میراث زبانی بخواهد در سطوح مختلف ادراکی کاربران نقش انتقال معنا را ایفا کند؛ بایستی معنا در باور و جهان‌بینی پشتیبان آن فرهنگ حضور داشته باشد. در حوزه میراث زبانی نیز لازمه انتقال معنا، رمزگشایی از میراث زبانی است و بدون تداوم پیوند مردم یک سرزمین با عالمی که در آن معانی تأویل می‌گردد؛ این امر ناممکن است.

سنت یا نظام سنتی جوامع در تسهیل برقراری این ارتباط و پیوند صورت با معنا در اشکال مختلف میراث، تأثیر بسزایی داشته است. امروزه با فاصله‌گرفتن انسان از معانی مستتر در فرهنگ‌های سنتی این جای خالی بیش از پیش خودنمایی می‌کند.^{۱۹} مؤلفه‌های مؤثر؛ عالم معنایی مشترک کاربران میراث زبانی، نظام سنتی جوامع.

جدول ۱. جمع‌بندی تحلیل‌ها و آسیب‌شناسی ارائه‌شده در مقاله

نمودها و عملکردهای میراث زبانی	مولفه‌های اثر گذار	عارضه	آسیب
زبانهای زنده بشری	فرهنگ، دین، باورها، کیفیت تعاملات بشری، سبقه تاریخی، گروه‌ها و ساختار اجتماعی	مرگ دفعی زبان	از بین رفتن فرهنگ. از هم پاشیدن یک جامعه. استعمار یا تغییر اجباری زبان یا خط.
	ساختار اجتماعی	مرگ تدریجی زبان	استحاله فرهنگی. سست شدن مؤلفه‌های مؤثر بر زبان. مرگ تدریجی فرهنگ.
واژگان، اصطلاحات نام‌ها	خاطرات مشترک و معانی پشتیبان یک زبان. شیوه تفکر. ارتباط ابعاد مختلف فرهنگ.	فراموشی و عدم تداوم واژگان و اصطلاحات. جایگزینی واژگان بیگانه. تغییر نام‌ها.	کمرنگ شدن زمینه‌های تفکر پشتیبان. حذف بستر کاربرد زبان. حالت انفعالی در برابر فرهنگ و زبان بیگانه.
قصه حکایت ضرب المثل	معنا. خاطرات مشترک جمعی. بستر ارتباطات انسانی و بین نسلی	کمرنگ شدن و حذف قصه‌ها و آیین قصه‌گویی، کاهش کاربرد ضرب‌المثل‌ها	تضعیف معانی و بافت منسجم فرهنگی پشتیبان. کمرنگ شدن ارتباطات انسانی جایگزین شدن تکنولوژی.
لهجه گویش گونه‌های خاص زبانی	حضور و پویایی گروه‌های صنفی، دینی و فرهنگی؛ تنوع بافتها و ساختارهای اجتماعی جوامع	از بین رفتن تنوع اشکال میراث زبانی، فراموش شدن لهجه‌ها، گویش‌ها.	از هم پاشیدن گروه‌های مختلف اجتماعی. مهاجرت. خودباختگی فرهنگی و بی هویتی. تغییر روش‌های زندگی و تولید. تغییر در جهان‌بینی.
برقراری ارتباط انسانی	حضور طبیعی نمودهای میراث زبانی در ارتباطات انسانی، پیوندها و اشتراکات ذهنی کاربران میراث زبانی در پهنه تاریخ و جغرافیا	خالی شدن ارتباطات زبانی از نمودهای میراثی	از هم پاشیدن گروه‌های سنتی اجتماعی. تغییر در روش زندگی. فراموشی و حذف باورها و آیین‌ها. تغییر شیوه‌های آموزش، غلبه تکنولوژی، تغییر در نظام‌های شغلی و تولید انقطاع نسل‌ها
انتقال معنا و فرهنگ	عالم معنایی مشترک کاربران میراث زبانی، نظام سنتی جوامع.	تبدیل شدن میراث زبانی به نشانه‌های صوری خالی از معنا و در نتیجه حذف تدریجی آن.	غلبه نگاه اومانستی و معنادرایی از عالم جدید. از هم پاشیدن نظامات سنتی. عدم تناسب روش انتقال معنا و محتوای معنایی زبان. کمرنگ شدن نقش انسان در انتقال معانی زبان در برابر تکنولوژی.

نتیجه‌گیری

مباحث مطرح‌شده در مقاله حاضر را می‌توان در جدول ۱ به صورت مختصر جمع‌بندی نمود. از مباحث ارائه شده در این مقاله نتایج زیر را استنباط می‌گردد:

میراث فرهنگی مادی و معنوی جوامع سنتی، کلیت واحدی را شکل می‌دهد که حیات و پویایی این کلیت وابسته به حیات تمام اجزای آن است. ارتباط این کلیت یا نظام که گاه "سنت" نامیده می‌شود، با "معنا"، تداوم حیات میراث را تضمین می‌نماید.

اهمیت زبان به عنوان یکی از اجزای این کلیت، تنها به نمودهای بیرونی آن مانند قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، اسامی و غیره محدود نمی‌گردد و در حیات یک فرهنگ نقشی را ایفا می‌کند، که می‌توان آن را در انتقال معنا و ارتباطات انسانی در زمان و مکان تشریح کرد. این امر اهمیت میراث زبانی و پرداختن به آن را برجسته‌تر می‌سازد چراکه اختلال در این عملکرد زبان، در آسیب دیدن کلیت یک فرهنگ اثرگذار است.^{۲۲}

در مطالعات زبان‌شناسی امروز دو راهکار عمده برای نجات زبان‌های در حال انقراض پیشنهاد می‌گردد که در قالب احیای زبان^{۲۳} و مستندسازی زبان^{۲۴} ارائه می‌شود. احیای زبان فرآیندی اجتماعی، همگانی و تا حدی سیاسی است که تلاش می‌کند بر تعداد گویندگان یک زبان بیفزاید (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۹۳).

مقاله حاضر با توجه به تأثیر و تأثرات میراث زبانی و میراث فرهنگی ملموس و ناملموس جوامع، بر این باور است که بخش قابل توجهی از میراث زبانی از طریق روش‌های فرهنگی و احیای میراث فرهنگی قابل نجات بخشی است و بدین منظور نیاز به آسیب‌شناسی در این بستر دارد. برای آسیب‌شناسی زبان به عنوان یکی از نمودهای میراث بایستی در یک نگاه کل‌نگر، کلیه آسیب‌هایی که در نتیجه اختلال در فهم معنا، فرهنگ، ساختارهای اجتماعی، نظام تولید، جهان بینی، انقطاع فرهنگی و نسلی و تغییر در شیوه زندگی بر میراث زبانی اثرگذار می‌شود؛ بررسی و فهم گردد.

پیشنهادهای

- با وجود اهمیت بالای زبان در حفاظت و انتقال ارزشها و معانی یک میراث، کمتر بدان پرداخته شده است. ضرورت اختصاص دادن شاخه‌ای از مطالعات فرهنگی در میراث به این موضوع احساس می‌گردد.
- فرهنگ و زبان در رابطه‌ای دو سویه یکدیگر را حفاظت و کامل می‌کنند لذا حفظ تنوع‌های فرهنگی موجود در جوامع به حفظ گونه‌های زبانی در میراث کمک خواهد کرد.
- افزایش آگاهی کاربران یک میراث زبانی به ارزشهای نهفته در آن میراث در برابر نگاه غالب جهانی شدن و غرب‌گرایی در حفظ درونی زبانها و ارزشهای بومی جوامع اثرگذار است.^{۲۵}
- بسترسازی لازم برای ارتباط بین نسل‌ها از جمله تغییر در ساختار فضایی معماری و شهر، تغییر در سیستم‌های آموزشی، تقویت نظامات سنتی جوامع، حمایت از اصناف و جرگه‌های شغلی و اهمیت دادن به ارتباطات انسانی می‌تواند در زمینه‌سازی برای تداوم و بقای میراث زبانی در طول زمان مؤثر باشد.
- قالب‌های یک زبان مانند نام‌ها، خط، گویش‌ها، واژگان و اصطلاحات در بستر فرهنگی خود بواسطه چند وجهی بودن، ابعاد مختلف یک فرهنگ را با یکدیگر ارتباط می‌دهند؛ تغییر ناآگاهانه این عناصر به گسست وجوه مختلف فرهنگی، محو زمینه‌های شناخت فرهنگ سنتی جوامع و عدم تداوم آن منتهی می‌گردد. می‌توان به منظور جلوگیری از اینگونه تغییرات، تحقیقاتی جهت بررسی میراث زبانی مرتبط با آثار فرهنگی به عنوان پیوستی در پروژه‌های حفاظت و مرمت در نظر گرفت.
- تداوم نظام تولید سنتی و احیای روابط استاد-شاگردی موجبات احیاء اصطلاحات و کاربرد زبان را در حَرَف سنتی فراهم می‌سازد و از دیگر سو رابطه بین نسل‌ها را برقرار کرده و استمرار می‌بخشد.
- احترام به تنوع اشکال زبانی در یک فرهنگ و تناسب روش‌های انتقال با زمینه و بستر می‌تواند در حفاظت این تنوع فرهنگی مؤثر باشد. حضور آگاهانه انسان در انتقال معنا بوسیله زبان نباید توسط ابزار و تکنولوژی جایگزین گردد. گرچه تکنولوژی به عنوان یک ابزار در مستندسازی میراث کمک‌رسان است ولی حیات میراث فرهنگی و پویایی زبان وابسته به حضور مداوم انسان است.

پی‌نوشت

۱. در نگاهی مختصر به این تاریخچه می‌توان موارد زیر را برشمرد:
 - بررسی امکان نشر یک راهکار جهانی برای حفاظت از فرهنگ عامه (۱۹۷۱)
 - توصیه نامه حفاظت از فرهنگ سنتی و فولکلور (۱۹۸۹)
 - اعلامیه شاهکارهای میراث شفاهی و ناملموس بشری (۱۹۹۷)
 - اجلاس عمومی سی و یکم یونسکو درباره اهمیت و ضرورت نگهداشت و حفاظت از میراث ناملموس که منجر به تدوین کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از میراث ناملموس شد. (۲۰۰۳)
 - بیانیه کیمبرلی و کیماننگ درباره میراث ناملموس چین
 - بیانیه شیان درباره حفاظت از میراث ناملموس مجموعه بناهای تاریخی، سایتها و محوطه‌ها (۲۰۰۵)
 - بیانیه کبک درباره پاسداشت روح مکان (۲۰۰۸)
 - بیانیه فاز دو گوچو توسط ایکوموس آمریکا (۲۰۰۸)
 - همایش بین‌شهری ICCN اصفهان (۲۰۱۴)
۲. سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در کتاب Red Book of Endangered Languages زبانهای زنده را از نظر خطرپذیری در پنج دسته تقسیم بندی کرده است. ([Http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/endangered-languages](http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/endangered-languages))
3. [Http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/endangered-languages](http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/endangered-languages)
۴. مانند Whistled language of the island of La Gomera (Canary Islands), the Silbo Gomero و Lan- guage, dance and music of the Garifuna که در لیست جهانی میراث ناملموس ثبت شده‌اند. ([Http://www.unesco.org/culture/ich/index.php?pg=00011](http://www.unesco.org/culture/ich/index.php?pg=00011))
5. [Http://isna.ir/fa/news/92121308386](http://isna.ir/fa/news/92121308386)
۶. سازمان یونسکو وظیفه میراث شفاهی را که شامل زبان نیز میگردد؛ انتقال دانش، فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی و خاطرات جمعی می‌داند. (<http://www.unesco.org/culture/ich/doc/src/01857-EN.pdf>)
۷. نسفی به افتادن نوشته به دست ناهلان اشاره کرده (نسفی، ۱۳۸۶: ۶) و افلاطون نیز نوشته شدن را موجب افتادن آن به دست هر کس می‌داند. (افلاطون، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۳۵۳)
۸. این تعابیر در ادبیات آسیب شناسی دانش مرمت شناخته شده ولی در میراث ناملموس کمتر به کار رفته است. جهت تقرب ذهن می‌توان مثال زیر را در حوزه زبان در نظر گرفت: در حالت تعادل، لهجه یک روستا با روش زندگی، روش تعامل با طبیعت، نوع ادراک و جهان بینی و روش معیشت و ساختار اجتماعی و فرهنگی آن روستا در تعامل است. بر هم خوردن روش زندگی، ورود تکنولوژی، چند زبانی، تغییر شغل و تغییرات اجتماعی و فرهنگی، ورود توریسم و تغییر در جهان بینی به عنوان آسیب در فرهنگ این روستا اختلال ایجاد کرده و این اختلال خود را به شکل عارضه‌ی تغییر یا از بین رفتن تدریجی لهجه روستا نشان می‌دهد.
۹. در بسیاری کشورهای تغییر اجباری زبان باعث انقطاع یکباره نسل‌ها می‌گردد و زمینه ساز مرگ کامل یک خط یا زبان می‌شود. مانند زبان باستانی مصر یا تغییر خط در ترکیه که ارتباط مردم را با متون کهن خود، کتیبه‌های ابنیه و بسیاری منابع میراثی قطع کرد.
۱۰. وی شروع تاریخچه توجه به مرگ زبانها را با نظریات فیشمن و دیگران (۱۹۷۷) می‌داند که پس از آن در آراء ایچسون (۱۹۸۱) درسلر (۱۹۸۲) فسولد (۱۹۸۴) و هاگن (۱۹۸۵) ادامه یافت. (محمودی بختیاری ۱۳۸۹: ۸۶)
11. Jokilehto
 ۱۲. اصطلاح "حرام کردن" در بنایی با ابعاد مختلف علمی، فنی و فرهنگی از جمله اندازه شناسی، اقتصاد، باور دینی به معاد و مصالح‌شناسی ارتباط دارد که با Wasting قابل جایگزینی نیست. (اولیاء ۱۳۸۲)
 ۱۳. این نام‌ها حتی در بررسی ارزش‌ها و اطلاعات مربوط به میراث فرهنگی نیز اهمیت دارد. مثلاً کوچه "تل خاکستری" در مجاورت مسجد جامع یزد نشان دهنده وجود آتشکده در مکان فعلی مسجد جامع در زمان پیش از اسلام است که خاکستر آن در این کوچه ریخته می‌شده است. این نام سیر تحول تاریخی بنای مهمی مثل مسجد جامع یزد، قدمت محله، آیین و کیش مردم شهر پیش از اسلام را با خود در کوتاه‌ترین شکل طی قرن‌ها حمل کرده است. به عنوان مثال دیگر میدان طوقچی (تخچی) اصفهان یا آبنبار دژک (دژدک) اردکان در باور مردم گویای یک داستان قدیمی و نمودی از معانی مستتر در باورهای دینی آنان است.
 ۱۴. گرچه در برخی موارد مستندسازی و مکتوب کردن این جنبه‌ها خطر فراموشی کامل را از بین می‌برد و حتی گاه احساس می‌شود که راهی جز این وجود ندارد؛ ولی بی شک این نوع حفاظت به معنی حفظ واقعی حیات و استمرار میراث زبانی نیست. به عنوان مثال سازمان یونسکو در آندونزی زبان‌های بومی را به برنامه درسی مدارس منتقل ساخته است زیرا بر این باور است که زبانهای بومی منابع ارزشمند دانش بومی هستند و حفظ آنها بایستی فراتر از مستندسازی صرف آنها پیش رود. (Czermak, et al ۲۰۰۳: ۱)
 ۱۵. البته این امر در مورد زبان به شکل عام نیز صادق است ولی به این نمود میراث زبانی به صورت خاص تشخیص میدهد.
 ۱۶. عدم حضور نموده‌های میراث زبانی، ارتباطات بین نسل‌ها را تحت الشعاع قرار داده؛ تا حدی که حتی عدم استفاده مادران از لهجه

- و زبان مادری در انتقال احساس به کودک اثرگذار شده و زمینه‌ساز مشکلات عاطفی می‌گردد. به طریق اولی انتقال معانی و مضامین فرهنگی نیز با اختلال همراه می‌گردد. این امر علاوه بر تبعات اجتماعی غیر قابل جبران، بر حفظ و انتقال میراث فرهنگی خصوصاً "میراث ناملموس" و فولکلور اثرات مخربی داشته است.
۱۷. تکنولوژی گاه ساختار زبانی را دچار دگرگونی می‌کند به نحوی که به قوام و استحکام زبان و توان آن در انتقال معانی فاخر فرهنگی لطمه می‌زند. به عنوان مثالی واضح از این دسته آسیب می‌توان از وارد شدن روشهای پیامک نویسی در کشورهای مختلف اشاره کرد که ساختار آن زبان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. (Ong'onda, et al ۲۰۱۱) به علاوه در بسیاری جوامع باعث ایجاد شکاف میان رده‌های سنی درگیر با تکنولوژی و رده‌های بالاتر می‌شود لذا نقش ارتباطی زبان را نیز تضعیف می‌نماید.
۱۸. در این حالت یک میراث زبانی، مثل بدلی از اشیاء موزه‌ای عمل خواهد کرد و ویژگی زنده بودن و بازآفرینی از آن سلب خواهد شد. مانند استفاده از شکل بدلی اشیاء آئینی یک قبیله منقرض شده بدون فهم باورهای پشتیبان آن، که با حس تاریخ پرستی و نوستالژی صرف همراه می‌شود.
۱۹. سیطره نگاه اومانستی بر اندیشه بشر امروز و فاصله گرفتن از معانی ثابت متعالی، انسان را در تفسیر میراث فرهنگی و زبانی با تکرر معانی و تفسیرهای شخصی مواجه می‌سازد؛ که جای فهم مشترک عالم و ارتباط وحدت بخش با عالم معنا را در اندیشه سنتی می‌گیرد.
۲۰. این نظام را ارتباط عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دینی در یک منظومه معناگرا و در هم تنیده به وجود می‌آورده است.
۲۱. روش‌های کتابت، بیان شفاهی، بیان رمزگونه، اشاره و ایهام از جمله این روش‌ها بوده است که تا انتقال معنا با سکوت و ارتباط دل به دل که فراتر از بحث زبانی است، پیش می‌رود. مانند آنچه در آیین ذن برای صیانت از معنا در برابر اغیار به کار گرفته می‌شده است. در یک طرح پژوهشی مرتبط به سازمان یونسکو در اندونزی به این موضوع اشاره شده است که دانش بومی از روش‌هایی در انتقال بهره می‌گیرد که متفاوت از سیستم علمی غربی است. سیستم غربی در پی تخصصی کردن، ثبت کردن و به نوشتار درآوردن با روش‌های دانشگاهی و توسط افراد متخصص است؛ در حالی که دانش بومی بر نگاهی کل نگر مبتنی است و ریشه در سنت‌های شفاهی دارد. (Czermak, et al ۲۰۰۳:۴)
۲۲. تا جایی که می‌توان گفت بدون آن حتی تداوم حیات میراث ملموس نیز با مشکل مواجه می‌شود. به تعبیر بیانیه کبک میراث معنوی جوامع مانند روح برای میراث مادی عمل می‌کند.

23. Language Revitalization

24. Language Documentation

۲۵. کوندامیناز بر اهمیت این موضوع تأکید می‌کند. "غالباً جوامع سنتی به ارزشهای فرهنگی خود، دانش بومی و اهمیت زبانشان واقف نیستند و آنرا مانعی در برابر رسیدن به جامعه مدرن می‌دانند. لذا تنها سیاست‌گذاری کلان کافی نیست و یک جامعه باید از درون به ارزشهای فرهنگی خود واقف شود." (Condominas, 2001, p. 23)

منابع و مآخذ

- افلاطون (۱۳۶۴). دوره آثار افلاطون، ج ۳. تهران: این سینا.
- اولیاء، محمدرضا (۱۳۸۲). اصطلاح‌شناسی معماری سنتی، رساله دکتری معماری دانشگاه تهران. استاد راهنما: دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی.
- اولاد، فروغ (۱۳۹۱). *وندالیسم و اهمیت حفظ میراث فرهنگی*. فرهنگ مردم. پاییز و زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۴۳ و ۴۴، ۱۰۵-۱۱۴.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۴). همایش بین‌المللی میراث زبانی به همت پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون. بازیابی شده در ۱۸ خرداد ۱۳۹۴، <http://www.ibna.ir/fa/doc/report/218840/>.
- توکلی، حمید رضا (۱۳۸۳). *مثنوی و اسلوب قصه در قصه*. زبان و ادبیات فارسی. شماره ۴۷ و ۴۸ و ۴۹. ۸۰-۴۵.
- چراغچی، سوسن (۱۳۸۳). *کنوانسیون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس: یونسکو ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳*. ترجمه فارسی: سوسن چراغچی. مجله اثر. شماره ۳۶ و ۳۷، ۲۵۸-۲۴۵.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۳). *بتهای ذهنی و خاطره ازلی*. تهران: امیرکبیر.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۸). *آسیا در برابر غرب*. تهران: امیرکبیر.
- محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۹). *مستندسازی و بررسی گویشهای ایرانی به عنوان میراث فرهنگی*. مجله زبان‌شناسی و گویشهای خراسان. شماره ۲، ۱۰۴-۸۵.
- نسفی، عزیز الدین بن محمد (۱۳۸۶). *کشف الحقایق*، به اهتمام و تعلیق احمد مهدوی دامغانی. تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی.

یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷). **تاریخ حفاظت معماری**. ترجمه: محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه.

- Condominas, G. (2001) Introduction. **Viet Nam's Cultural Diversity: Approaches to Preservation**. Salemink, O. (Ed.). Paris: UNESCO Publishing.
- Czermak, K.; Delanghe, P. & Weng, W. (2003). Preserving Intangible Cultural Heritage in Indonesia1, a Pilot Project on Oral Tradition and Language Preservation. UNESCO Jakarta, Indonesia. http://www.01.sil.org/asia/ldc/parallel_papers/unesco_jakarta (Retrieved 9 June 2015).
- Ong'onda, N. A.; Maina, P, M, & Oloo P. A. (2011). Syntactic Aspects in Text Messaging. **World Journal of English Language**, 1(1), 2-8.
- Reyhner, J. (2007) Rationale and Needs for **Stabilizing Indigenous Languages**. **Stabilizing Indigenous Languages, Flagstaff: Center for Excellence in Education, Northern Arizona University Flagstaff Revised**. Cantoni, G. (Ed.). http://www.afn.ca/uploads/files/education2/stabilizing_indigenous_languages,center_for_excellence_in_education,_2007.pdf (Retrieved 9 June 2015).
- URL 1: <http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001325/132540e.pdf> (access date: 2015/06/10)
- URL 2: <http://www.international.icomos.org/quebec2008/> (access date: 2015/06/13)
- URL 3: <http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/endangered-languages> (access date: 2015/6/09)
- URL 4: <http://www.unesco.org/culture/ich/index.php?pg=00011> (access date: 2015/06/10)
- URL 5: <http://isna.ir/fa/news/92121308386> (access date: 2015/06/10)
- URL 6: <http://www.unesco.org/culture/ich/doc/src/01857-EN.pdf> (access date: 2015/06/09)



Received: 2015/06/14

Accepted: 2016/01/24

Pathology of Linguistic Heritage through Re- understanding of its Status and Function in the Cultural Heritage

Reza Abouei* Zohreh Yadegari** Shahab Efazat***

Abstract

In international contexts, Intangible heritage is divided into five groups. First one is the oral traditions and expressions, including language. And also the important function of language is known as a vehicle for intangible heritage. Recognizing language in the field of intangible heritage, some languages and linguistic patterns such as the skill of storytelling, minstrelsy and songs are listed in the world intangible cultural heritage list, and on the other hand, many endangered linguistic heritages are under consideration to be preserved. Though there are sporadic references for damages to the language, the vacancy of a comprehensive pathology for the threats to linguistic heritage is felt.

For scientific pathology of linguistic heritage, it is required to 1-compute its representations, 2-analyze its function, and 3-extract its influencing components in cultural heritage.

In this paper, living languages, accents, dialects, proverbs, narratives, idioms and names are classified as different representations of linguistic heritage. Then, two general functions of linguistic heritage namely cultural transmission and human communication are discussed. According to this classification and analyses, the damages to linguistic heritage are extracted through descriptive-survey analysis, and finally, some suggestions are delivered for continuation of linguistic heritage as one of the important sections of intangible cultural heritage.

Keywords: linguistic heritage, transmission, communication, pathology

* Assistant Professor, Department of Architectural Conservation, Art University of Isfahan

** Assistant Professor, Department of Architectural Conservation, kashan University.

*** BA in Architecture, Department of Architecture, University of Yazd